

احراز هویت

سیف ا... فیروزفر^۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بدون تردید یکی از حساسترین و مهمترین مسؤولیت‌های قانونی که بر عهده سران دفاتر اسناد رسمی گذاشته شده است، «احراز هویت» متعاملین یا متعاهدین و مراجعه‌کنندگان به دفاتر اسناد رسمی یا ازدواج و طلاق است که نظر به اهمیت فراوان آن، در این نوشته به طرح آن می‌پردازیم:

در آغاز مروری گذرا بر **مستندات قانونی** مبحث می‌نماییم:

۱ - ماده ۸۶ قانون ثبت اسناد و املاک: «در صورتی که تقاضای ثبت سندی بشود، تحصیل اطمینان از هویت متعاملین یا طرفی که تعهد کرده، به عهده صاحب دفتر است و اگر مشارالیه شخصاً او را نشناسد، باید بر طبق مواد این قانون رفتار نماید و در صورت تخلف مشمول ماده ۱۰۲ این قانون خواهد بود».

۲ - ماده ۱۰۲ ق. ث: «هر یک از اعضاء ثبت اسناد و املاک، قبل از احراز هویت اشخاص و یا اهلیت اصحاب معامله و یا قابلیت موضوع معامله سند را عمداً ثبت نماید به مجازات اداری فوق محکوم خواهد گردید».

۳ - منظور از مجازات اداری فوق، مراتب مندرج در ماده ۱۰۰ است که اشعار می‌دارد: «هر یک از مستخدمین و اجزاء ثبت اسناد و املاک و صاحبان دفاتر رسمی عامداً یکی از جرمهای ذیل را مرتکب شود، جاعل در اسناد رسمی محسوب و به مجازاتی که برای جعل و تزویر اسناد رسمی مقرر است محکوم خواهد شد...»

۴ - فراز دوم ماده ۱۰۰ ق. ث، حاکی است: «سندی را بدون حضور اشخاصی که مطابق قانون [باید] حضور داشته باشند، ثبت کند».

۵ - ماده ۸ آیین نامه ماده ۴۷ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶/۳/۱۵ مقرر می‌دارد: «در موقع مراجعه اشخاص برای انجام معامله به دفاتر اسناد رسمی باید از

مراجعه کننده ورقه شناسنامه مطالبه شود».

۶- در سایر مواد قانونی مرتبط با موضوع، بخصوص مواد ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ قانون ثبت اسناد و املاک که در خصوص استفاده از شهود و معرف و معتمد (معروف) است، باز هم موضوع احراز هویت بر عهده سردفتر گذاشته شده است، و در اصل موضوع تأثیری ندارد.

شرح و سابقه تاریخی موضوع:

امروزه با گسترش و وسعت و فزونی جمعیت شهرها و شهرستانها و حتی بخشها و قراء و قصبات بر خلاف روزگار تصویب و تدوین قوانین موضوعه فوق، امکان شناسایی تمامی یا اغلب افراد مراجعه کننده به دفاتر اسناد رسمی برای سردفتر غیر ممکن می‌نماید و تنها وسیله احراز هویت مراجعه کنندگان یا شهود و معرفین، شناسنامه عکس دار آنها است؛ آن هم در صورتی که خدش‌های نداشته یا مجعول نباشد و همچنین اگر بتوان به طور یقین، شباهت عکس الصاقی بر شناسنامه را با شخص مزبور، قاطعانه تطبیق و تشخیص داد که خود مسأله‌ای دشوار بوده و به مرور زمان علمی را به نام تشخیص هویت تشکیل داده است که دانشمندان بسیاری در آن تتبع و تحقیق نموده‌اند و راهکارهایی ارائه نموده‌اند، که در ذیل با درج پاره‌ای از مطالب مرتبط از کتاب «کشف علمی جرایم» اثر دکتر افتخارزاده درباره آن بیشتر خواهیم گفت:

تشخیص هویت:

تشخیص قطعی هویت انسانی همیشه یک مسأله بسیار مهم و حیاتی از نظر قوانین و نظامات بوده است در سالهای قدیم وسایل و طرق تشخیص هویت بسیار نارسا بوده است، ولی با گذشت زمان پیشرفتهای زیادی در این رشته خاص حاصل گردیده است و امروز تشخیص هویت انسانی یکی از علوم به شمار می‌رود، که طبیعتاً شخصی که مبادرت به چنین امری می‌نماید باید محیط و واقف به علوم و پیشرفتهای علمی زمان بوده باشد، در غیر این صورت یقین لازم حاصل نمی‌شود. و پیوسته امکان

حدوث اشتباه وجود دارد. (که عواقب آن دامنگیر مسؤول مربوطه خواهد شد). حتی در
ازمنه قدیم با وجود محدودیتهای جمعیت و وسعت اجتماعات و امکان شناخت نسبی
افراد برای یکدیگر و دستگامهای ذی ربط، به وسیله قطع کردن اعضا و یا داغ کردن
اشخاص خطرناک و مجرم جامعه، به منظور تشخیص و تمیز هویت بعدی آنها، اقدام
می شده است، مثلاً داغ کردن حتی تا یک قرن پیش هم متداول بوده. در روسیه تا
سال ۱۸۶۰ مجرمین را از پیشانی و گونه ها داغ می کردند و به سیبری می فرستادند. در
فرانسه بعد از انقلاب کبیر، این رویه متروک ولی پس از چندی مجدداً متداول شد،
تا این که در سال ۱۸۳۲ به طور کلی لغو گردید و نیز این رویه در آلمان تا تاریخ مزبور و
در هلند تا ۱۸۴۵ و چین تا ۱۹۰۵ ادامه داشته است.

تن پیمایی (شناسایی از روی بدن):

در سال ۱۸۴۰ (کنله) آمارگر بلژیکی نظر داده است که: در جهان نمی توان دو نفر را
پیدا کرد که کاملاً و از هر حیث به یک اندازه باشند و این نظریه برای اولین بار در سال
۱۸۶۰ به وسیله (استیونس) رییس زندان (لودین) بلژیک برای استفاده جرم شناسی
استعمال گردید و بدین ترتیب وی برای اولین مرتبه به اندازه گیری (سر، گوش، سینه و
قامت) مجرمین اقدام نمود.
طریقه تشخیص هویت از روی اندازه های اعضای مختلف بدن بر اصول زیر بنا
نهاده شده است:

اولاً، اسکلت انسانی بعد از سن بیست سالگی غیر قابل تغییر است، گرچه
استخوانهای دراز، بعد از این سن هم مقداری بزرگ می گردند ولی این تغییر جزئی با
پنجشهایی که ستون فقرات معمولاً بعد از این سن پیدا می کند، جبران می گردد.
ثانیاً، پیدا کردن دو انسان که استخوانهای کاملاً شبیه به هم داشته باشند، غیر
ممکن است.

ثالثاً، اندازه های لازم را می توان با استفاده از اسبابهای مخصوص به خود به دست

به هر حال، بحث در جزئیات این موضوع و نحوه اندازه‌گیری علمی آن، مبحثی است طولانی که موجب به درازا کشیدن این مقوله خواهد شد، لذا صرفاً هدف، یادآوری این نکته است که تعیین و احراز هویت دقیق اشخاص و شناخت و تمیز آنها اطلاعاتی دقیق و علمی را طلب می‌نماید. و صرفاً با در دست داشتن یک قطعه عکس الصاقی در شناسنامه مراجعه‌کننده که شاید در سالهای پیش هم گرفته شده و روتوش هم شده باشد، به چه میزان دقت نیاز دارد و کار مشکلی خواهد بود.

عکاسی علمی:

موضوع تهیه عکس قابل استفاده در احراز و تشخیص هویت، خود، کاری است دقیق و علمی و برای شرح مطلب شمه‌ای از سابقه تاریخی آن ذیلاً تشریح می‌شود: اولین شهری که در دنیا شعبه عکاسی برای پلیس خود تأسیس نمود پاریس بود و افتخار آن متعلق به شخصی به نام لئون رنولت رییس پلیس وقت آن شهر است. عکسهای اولیه، فقط از رو به رو برداشته می‌شد و مقیاس آنها اختیاری بوده است. شخصی به نام بریتون آنها را متحدالشکل و با مقیاس ثابت معین نموده و دستور داد، عکسهای افراد را از رو به رو و نیم رخ بگیرند، و بدین وسیله تشخیص هویت تا اندازه‌ای قابل توجه آسان گردید. باید دانست که سیستم تصویر توصیفی برای اولین بار، به وسیله آلفونس بریتون ابداع گردید و این طریقه شامل چند مرحله است:

- ۱- معلوم کردن رنگ چشم و موی سر و ریش و پوست.
- ۲- مجسمه‌شناسی: از نظر شکل، کشیدگی، اندازه قسمت‌های مختلف.
- ۳- معلومات عمومی: و مشخصات ثابت جای زخم و خال کوبی و غیره.
- ۴- رنگ چهره، کمرنگ، زرد، رنگ پریده، روشن و گرفته و غیره.
- ۵- نوع مو: اعم از کلفت، نازک، طاس، مجعد، تابدار یا موجی و چگونگی آرایش سر.

- ۶- رنگ مردمک: متورم، ریز، درشت و هر نوع خصوصیت دیگر.
- ۷- ابرو: مایل، بالا، پایین، پرپشت یا پیوسته، کمائی، موجی، افقی و غیره.

۸- بینی: کوچک یا بزرگ، پهن یا عقابی، کشیده و غیره.

۹- و بالاخره مشخصات ریش، سیبیل، چانه، صورت، گردن، لبها، دماغ، سر، گوشها،

پیشانی و سایر حالت‌های اشخاص، باید در احراز و تشخیص هویت مدنظر باشد.

عکس از رو به رو برای شناختن آنی و عکس نیم رخ، برای تشخیص هویت در موارد معین مورد استفاده است. البته عکس تهیه شده نیز بسته به طرز قرار گرفتن سر، تابش نور و قرار گرفتن دوربین و سایر وضعیت‌های احتمالی فرد می‌باشد و در طبیعی یا غیر طبیعی بودن آنها مؤثر است. و امروزه در ادارات تشخیص هویت و زندانها از دستگاه‌های پیشرفته علمی عکاسی استفاده می‌نمایند که قابل مقایسه با دستگاه‌های مورد استفاده عکاسان معمولی نیست، خصوصاً روتوش عکسها توسط دسته اخیر موجب ایجاد تغییراتی در شکل طبیعی افراد می‌شود که چنانچه فرد دارای برادران یا خواهران همانند باشد، به آسانی قابل تمیز نخواهد بود.

اینک که تا حدودی سابقه تاریخی و اهمیت و فنی بودن موضوع تشخیص هویت روشن شد، به این نتیجه می‌رسیم که سران دفا تر باید در تشخیص این امر با استناد به شناسنامه افراد تا چه حد بصیر و دقیق بوده و چه ملاحظاتی را در نظر بگیرند. هر چند وسواس و تردید و بدبینی زیاده از حد هم کاری عقلانی نیست، زیرا قانونگذار هم در تدوین ماده ۱۰۲ (ق. ت. ا) به این نکته واقف بوده و با ذکر کلمه (عامداً) در متن ماده تا حدود زیادی اصل را بر صحت گذاشته مگر خلاف آن ثابت شود.

بنابراین هرگاه سردفتری احتیاطات لازم را معمول داشته و در صورت عدم وجود مغایرت‌های اساسی و حسن نیت و بدور از هر نوع مسامحه و یا خدای ناکرده همکاری با متخلفین، سندی تنظیم و در صورت ظاهر، هویت مراجعه کننده را تأیید و احراز نماید و در صورت اثبات بعدی مغایرت تشخیص غیر به جای اصیل (چون در جریان رسیدگی خواه ناخواه عدم عمد یا سوء نیست سردفتر مشخص می‌شود)، لذا به لحاظ عدم وجود عنصر معنوی (عمد) علی القاعده مسؤولیتی متوجه وی نخواهد بود و از نظر قانون بری و از نظر حقوقی هم عمل «جرم» نخواهد بود.

طبیعی است مراجع قضایی و قضات آگاه و حقوقدان و بصیر دادگستری هم خود واقف به این موضوع بوده و با دقت وافی حقیقت را کشف و پس از حصول اطمینان و یقین، رأی لازم را انشاء می‌نمایند و در نهایت مجرم واقعی گرفتار خواهد شد و نه شخصی که عمدی و دخالتی در وقوع تخلف و جرم نداشته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی